

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه استدلالی ۳

سطح ۲

درس ۵۳

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

در درس پیشین ادامه مباحث خيارات با بیان خيار عيب دنبال شد. در توضیح این خيار گفته شد هر کس با خرید یا فروش، کالای معیوبی به او منتقل شود خيار رد آن به مالک قبلی و فسخ معامله برای او ثابت است.

در ضمن بیان مسائل این خيار به فتوای مشهور اشاره شد که طبق نظر ایشان شخصی که عوض معیوب به او منتقل شده بین رد آن یا مطالبه ارش مخیر می باشد مگر این که در عوض تصرفاتی ایجاد کند که بازگرداندن آن به مالک قبلی متعذر شده باشد که در این فرض فقط حق اخذ ارش برای او ثابت است.

در تحلیل و بررسی نظریه مشهور گذشت که در هیچ روایتی به تخیر صاحب عوض معیوب بین خيار رد و ارش اشاره نشده و روایات باب فقط بر ثبوت ارش در صورت تعذر رد دلالت دارند.

در درس حاضر با مروری اجمالی به این مباحث صحیحه زراعه را به عنوان نمونه ای از روایات ثبوت ارش مطرح و در ادامه به بررسی روایتی از فقه رضوی که دلالت بر ثبوت تخیر بین رد و ارش می کند، پرداخته خواهد شد.

شهرت فتوائی و اجماع منقول از دیگر مستندات فتوای مشهور هستند که با طرح آن، بحث در خصوص حکم این مساله به سرانجام خواهد رسید.

عدم جواز رد عوض معیوب در صورت تعذر، سقوط رد و عدم حق مطالبه ارش در صورت آگاهی از عیوب یا تبری از آن، دیگر احکام خيار عيب و ارش هستند که در این درس مستندات آن مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی ادله عمومیت جواز رد عوض معیوب در جمیع معاملات و اختصاص مطالبه ارش در عقد بیع پایان بخش مسائل خيار عيب و هم چنین درس حاضر است.

در مباحث آتی احکام خيارات با توضیح و بررسی احکام دو خيار دیگر با عنوان «خيار تأخیر» و «خيار رؤیت» پیگیری می شود.

متن عربى

و يجوز ان يكون ذلك من باب تعيين الرد حالة عدم التصرف، و الارش حالة التصرف و ليس من باب تعيين أحد طرفى التخيير بتعدّر الآخر، فلاحظ صحيحة زرارة عن ابى جعفر عليه السلام: «ايما رجل اشترى شيئاً و به عيب و عوار لم يتبرء اليه و لم يبين له، فاحدث فيه بعد ما قبضه شيئاً، ثم علم بذلك العوار و بذلك الداء انه يمضى عليه البيع و يرد عليه بقدر ما نقص من ذلك الداء و العيب من ثمن ذلك لو لم يكن به».

أجل، ورد فى الفقه الرضوى: «فان خرج فى السلعة عيب و علم المشتري فالخيار إليه ان شاء ردّه و ان شاء أخذه أو ردّه عليه بالقيمة ارش العيب».

بيد ان الكتاب المذكور ساقط عن الاعتبار لعدم ثبوت نسبته إلى الامام الرضا عليه السلام – و ان أصرّ على ذلك بعض الأصحاب كصاحب الحدائق – و احتمال كونه من فتاوى ابن بابويه.

نعم من يرى حجية الشهرة الفتوائية و الاجماع المنقولة يمكنه الاستناد إلى ذلك، و الا فالمناسب اختصاص الارش بحالة عدم امكان الردّ بسبب الحدث.

٤- و اما عدم جواز الرد عند احداث حدث، فلصحيحة زرارة المتقدمة و غيرها؛ على ان فكرة الشرط الضمنى قاصرة عن اثبات جواز الردّ فى الحالة المذكورة.

٥- و اما سقوط الرد و الارش حالة العلم أو التبرئ، فلقصور فكرة الشرط الضمنى و النصوص المتقدمة عن الشمول لمثل ذلك.

٦- و اما ان الرد بالعيب يعمّ جميع المعاملات، فلعدم اختصاص فكرة الشرط الضمنى بالبيع بل تعم غيره.

اجل يختص الارش بالبيع لا اختصاص صحيحة زرارة – التى هى المدرك له – به.

و اما استثناء النكاح، فلعدم جواز فسخه الا بعيوب معينة مذكورة فى محلها.

یادآوری

در درس گذشته توضیح داده شد که مشهور قائل اند شخصی که در معامله عوض معیوب به او منتقل شده، بین ردّ آن و اخذ ارش مخیر است. در نقد این نظریه گفته شد روایتی که دلالت بر این تخییر کند وجود ندارد. و روایات باب دلالت بر این دارند که در صورت انجام تصرفاتی در عوض معیوب که مانع از ردّ آن باشد، شخص حقّ فسخ معامله و ردّ عوض را به طرف مقابل ندارد و فقط می‌تواند از او در مقابل معیوب بودن عوض مطالبه ارش کند. ارائه نمونه‌ای از این روایات به درس حاضر موکول شد که به آن اشاره می‌شود:

صحیحہ زرارة^۱

در این صحیحہ امام باقر علیه‌السلام به صورت یک قاعده کلی می‌فرماید: «هر شخصی شیء معیوبی را خریداری کند که عیوب آن تبیین یا از آن تبرّی نشده باشد، و بعد از گرفتن در آن تغییری ایجاد کرده باشد و سپس به عیب و ایراد آن آگاهی پیدا کند، همانا بیع در حقّ او نافذ می‌شود و به مقداری که به سبب عیب از ارزش کالا کاهش پیدا می‌کند از ثمن آن عین اگر صحیح بود به او بازگردانده می‌شود»^۲.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود صحیحہ بر ثبوت ارش هنگام تصرف در عوض معیوب دلالت می‌کند، و دلالتی بر حکم عوض معیوب در صورت عدم ایجاد تغییرات در آن ندارد. و همان‌گونه که بحث از آن گذشت این احتمال وجود دارد که تعین ارش در صحیحہ از باب تعدّر ردّ عوض معیوب نباشد - تا قول به تخییر ثابت شود - بلکه از این جهت باشد که در صورت عدم ایجاد تغییر، ردّ عوض معیوب و در صورت ایجاد تغییر، اخذ ارش متعین است و در نتیجه قول به تخییر باطل باشد.

اشکال

نظریه مشهور مبنی بر تخییر صاحب خیار در صورت عدم ایجاد تغییرات در عوض معیوب بین ردّ و اخذ ارش صرف یک احتمال نیست بلکه در بعض روایات مانند روایتی که از کتاب فقه الرضا علیه‌السلام نقل شده به آن تصریح شده است.

روایت منقول در فقه رضوی^۳

مضمون روایت این است که اگر بعد از بیع معلوم شد متاع معیوب بوده و مشتری هم به آن علم پیدا کند، بین سه امر مخیر است: یا مبیع را به مالک قبلی آن بازگرداند و معامله را فسخ کند یا این که معامله را با همان مبیع معیوب امضاء نموده و مطالبه ارش نیز نکند و یا معامله را امضاء و در قبال معیوب بودن مبیع مطالبه ارش کند.

۱. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۶۲ الباب ۱۶ من أبواب الخيار الحدیث ۲.

۲. طبق صحیحہ زراره برای محاسبه ارش، باید ابتداء قیمت سالم و نیز معیوب کالا مشخص گردد؛ سپس نسبت میان مقدار زیادی از آن دو قیمت با قیمت صحیح محاسبه و به همان نسبت تفاوت صحیح از معیوب از قیمت مورد توافق در معامله کسر شود. به عنوان مثال اگر کالا به نود تومان خریداری شده و قیمت سالم آن یکصد و بیست تومان و معیوب آن هشتاد تومان است، نسبت میان زیادی از دو قیمت، یعنی چهل تومان با قیمت سالم نسبت یک سوم است. بنابراین یک سوم نود تومان که سی تومان می‌باشد به مشتری بازگردانده می‌شود.

۳. مستدرک الوسائل الباب ۱۲ من أبواب الخيار الحدیث ۳.

جواب

هر چند بعضی از اصحاب امامیه مانند صاحب حدائق بر استناد کتاب فقه رضوی به امام رضا علیه السلام اصرار دارند، لکن در مقابل این قول این احتمال نیز بیان شده است که این کتاب فتاوی این بابویه باشد. در هر صورت این کتاب به دلیل عدم ثبوت نسبت آن به امام علیه السلام از درجه اعتبار ساقط است و در نتیجه سند روایت مذکور ضعیف و غیر قابل استناد می باشد.

تبصره

تنها دلیلی که برای فتوای به تخییر میان ردّ و اخذ ارش در صورت عدم ایجاد تغییرات در عوض معیوب باقی می ماند، شهرت فتوائی^۱ و اجماعات منقول^۲ در خصوص آن می باشد. لذا کسانی که این دو امر را حجت می دانند، با استناد به آن می توانند قائل به تخییر شوند. و در صورت عدم التزام به حجیت آن دو باید قائل به اختصاص حکم ارش در صورت عدم امکان ردّ عوض معیوب و اختصاص حکم ردّ در صورت عدم ایجاد تغییرات در عوض معیوب باشند. «FG»

- بررسی قول مشهور
۱. عدم وجود روایت صحیح بر ثبوت تخییر بین ردّ و ارش در صورت عدم تعذر ردّ.
 ۲. دلالت روایات موجود بر ثبوت ارش در صورت تعذر ردّ.
 ۳. احتمال تعیین ردّ در صورت عدم تعذر ردّ نه تخییر بین ردّ و اخذ ارش.
 ۴. عدم امکان استناد به روایت فقه رضوی برای اثبات تخییر به دلیل ضعف سندی آن.
 ۵. امکان اثبات قول به تخییر با التزام به حجیت شهرت فتوائی و اجماع منقول.
 ۶. اثبات اختصاص ارش به صورت تعذر ردّ با عدم التزام به حجیت شهرت فتوائی و اجماع منقول.

تطبيق

- ۳- و اما التخییر بین الردّ و الارش الذی صار له المشهور، فلا رواية تدلّ عليه.
 - ۳- و اما مخیر بودن بین ردّ و ارش که مشهور به آن اقبال کرده اند، پس روایتی نیست که بر آن دلالت کند.
- و انما الوارد ثبوت الارش عند حصول بعض التصرفات المانعة من الرد.

۱. شهرت فتوائی: عبارت است از شایع بودن یک فتوا اگر به سر حدّ اجماع نرسد و در مقابل آن فتوای شاذّ قرار دارد. برخی از اصولیون امامیه عقیده دارند که شهرت فتوائی از امارات معتبره است. این نظریه را شهید اوّل در «ذکری» پذیرفته است. ولی گروهی دیگر معتقدند که شهرت فتوائی معتبر نیست و به عنوان منبع استنباط نمی توان بر آن تکیه کرد. «دائرة المعارف فقه مقارن، ص: ۱۷۷».

۲. اجماع منقول که مقابل اجماع محصل می باشد، اجماعی است که خود فقیه بدان دست نیافته، بلکه فقیهی دیگر- که آن را به دست آورده- بدون واسطه یا با واسطه برای وی نقل کرده است. اجماع منقول اگر به خبر متواتر نقل شده باشد یعنی تعداد زیادی از فقها اجماع را تحصیل نموده و آن را برای فقیهان دیگر نقل کرده باشند، حجیت و اعتبار آن همچون اجماع محصل است، ولی اگر به خبر واحد نقل شده باشد که یک یا تعداد کمی از فقها اجماع را تحصیل نموده و آن را برای دیگران نقل کرده اند در حجیت و اعتبار آن اختلاف است. اگر در کلمات فقها، اجماع منقول بدون قیدی ذکر شود، منظور، اجماع منقول به خبر واحد است. «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص: ۲۵۷».

و آن چه وارد شده فقط ثابت بودن ارزش است هنگام حاصل شدن بعضی از تصرفات که مانع از بازگرداندن هستند.

و يجوز ان يكون ذلك من باب تعین الرد حالة عدم التصرف، و الارش حالة التصرف و ليس من باب تعین أحد طرفی التخییر بتعذر الآخر.

و ممکن است که آن از باب تعین ردّ در حالت عدم تصرف، و تعین ارزش در حالت تصرف باشد و نه از باب این که یکی از دو طرف تخیر به سبب متعذر بودن دیگری تعین داشته باشد.

فلاحظ صحیحة زرارة عن ابي جعفر عليه السلام: «ایما رجل اشترى شیئاً و به عیب و عوار لم یتبرء الیه و لم یبین له، فاحدث فیہ بعد ما قبضه شیئاً، ثم علم بذلك العوار و بذلك الداء انه یمضی علیه البیع و یرد علیه بقدر ما نقص من ذلك الداء و العیب من ثمن ذلك لو لم یکن به»^۱

پس ملاحظه کن صحیحه زراره از امام باقر علیه السلام را: «هر مردی که چیزی بخرد و در آن عیب و ایرادی باشد که از آن تبرّی نشده و برای او بیان نشده است، پس در آن تغییری ایجاد کند بعد از آن که آن را گرفت، سپس به آن عیب و به آن مرض آگاهی پیدا کند، همانا بیع بر او نافذ می شود و به مقدار آن چه که از آن بیماری و عیب ناقص شده از قیمت آن اگر در آن عیب نبود، به او بازگردانده می شود».

أجل ورد فی الفقه الرضوی: «فان خرج فی السلعة عیب و علم المشتري فالخيار إلیه ان شاء ردّه و ان شاء أخذه أو ردّه علیه بالقيمة ارش العیب»^۲.

بله در فقه رضوی وارد شده: «اگر در کالا عیبی پیدا شود و مشتری به آن آگاه شود پس اختیار با او است اگر خواست باز می گرداند و اگر خواست آن را بر می دارد یا بر او قیمت خسارت عیب بازگردانده می شود»^۳.

بید ان الكتاب المذكور ساقط عن الاعتبار لعدم ثبوت نسبه إلی الامام الرضا علیه السلام - و ان أصرّ علی ذلك بعض الأصحاب كصاحب الحدائق^۴ - و احتمال كونه من فتاوی ابن بابویه.

غیر این که کتاب یاد شده از اعتبار ساقط است چون نسبت آن به امام رضا علیه السلام ثابت نیست - هر چند که بعضی از اصحاب مانند صاحب حدائق بر انتساب آن به امام علیه السلام اصرار کرده اند - و احتمال داده شده که آن از فتاوی ابن بابویه باشد.

نعم من یری حجیة الشهرة الفتوائية و الاجماعات المنقولة یمکنه الاستناد إلی ذلك.

بله، کسی که حجیت شهرت فتوائیه و اجماعات منقوله را قبول دارد برای او استناد به آن امکان دارد.

۱. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۶۲ الباب ۱۶ من أبواب الخيار الحدیث ۲.

۲. مستدرک الوسائل الباب ۱۲ من أبواب الخيار الحدیث ۳. و الظاهر زیادة الالف فی (أو).

۳. بعضی از اعظام فقها مانند شیخ انصاری این احتمال را داده اند که همزه «أو» در این روایت زاید باشد و کلمه «و» به معنای عطف صحیح باشد. که طبق این احتمال از روایت تخیر مشتری بین دو امر ثابت می شود: یا مبیع معیوب را بازگردانده و معامله را فسخ کند و یا مبیع را در نزد خود نگه دارد و از بایع مطالبه ارزش کند.

۴. الحدائق الناضرة: ۱ / ۲۵.

و الا فالمناسب اختصاص الارش بحالة عدم امکان الردّ بسبب الحدث.

و در غیر این صورت آن چه مناسب است اختصاص داشتن ارش است به صورت عدم امکان ردّ به سبب تغییر ایجاد شده است.

Sco ۱۵:۰۸

عدم جواز ردّ در صورت ایجاد تغییر

۱. صحیحۀ زرارہ^۱

در صحیحۀ زرارہ گذشت که اگر شخص بعد از گرفتن کالای معیوب در آن تغییری ایجاد کند، بیع در حق او نافذ می شود و فقط حق مطالبۀ ارش را خواهد داشت. لذا جواز ردّ عوض معیوب اختصاص به مواردی دارد که در آن تصرفاتی که مانع ردّ آن می باشد، ایجاد نشده باشد.

۲. قصور نظریۀ شرط ضمنی

در اثبات جواز ردّ بیان شد که هر یک از طرفین معامله در عقد برای خود این شرط را به صورت ضمنی قرار می دهند که اگر عوض معیوب باشد، حق فسخ معامله و ردّ عوض را داشته باشند. همان گونه که از این شرط ضمنی استفاده می شود این حق در جایی ثابت است که بازگرداندن عوض مقدور باشد، اما اگر ردّ عوض - به دلیل ایجاد تغییراتی که مانع از بازگرداندن آن به مالک قبلی اش می باشد - متعذر باشد، این شرط ضمنی از اثبات جواز ردّ قاصر است.

«FG»

۱. تصریح به تعیین ارش در صورت تغییر عوض معیوب در صحیحۀ زرارہ.
 ۲. قصور نظریۀ شرط ضمنی از اثبات جواز ردّ در صورت تغییر دادن آن.

ادله عدم جواز ردّ عوض تغییر داده شده

تطبيق

۴- و اما عدم جواز الرد عند احداث حدث، فلصحیحة زرارۀ المتقدمة و غیرها.

۴- و اما جایز نبودن بازگرداندن هنگام ایجاد تغییر، پس به دلیل صحیحۀ زرارۀ پیشین است و غیر آن.

علی ان فکرة الشرط الضمنی قاصرة عن اثبات جواز الردّ فی الحالة المذكورة.

علاوه بر این که نظریۀ شرط ضمنی، از ثابت کردن جایز بودن بازگرداندن در صورت یاد شده قاصر است.

Sco ۲۱۸:۰۶

۱. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۶۲ الباب ۱۶ من أبواب الخيار الحديث ۲.

سقوط ردّ و ارش در صورت علم به عیب یا تبری از آن

۱. قصور نظریه شرط ضمنی

در اثبات خیار ردّ بیان شد که هر کدام از طرفین معامله برای خود در صورت معیوب بودن عوض شرط خیار قرار می‌دهند. با تأمل در این شرط روشن می‌شود که این نظریه از اثبات ردّ در صورت علم به عیب یا تبری از آن قاصر است زیرا اگر طرفین با علم به این که عوض معیوب است یا طرف مقابل از عیوب آن تبری می‌جوید، اقدام به انجام معامله کنند، در واقع ایشان با رضایت و علم به معیوب بودن عوض و یا با پذیرش این که اگر عوض عیبی داشته باشد، طرف مقابل تعهدی نسبت به آن ندارد، اقدام به معامله کرده‌اند و با این فرض اشتراط خیار در صورت معیوب بودن عوض معنائی ندارد.

۲. قصور نصوص

در روایاتی مانند صحیحه میسر که بر جواز ردّ عوض معیوب دلالت داشت یا صحیحه زراره که بر ثبوت ارش در صورت تصرف در عوض معیوب دلالت می‌کرد، جواز ردّ و یا مطالبه ارش مقید به عدم علم مشتری و عدم تبری از عیوب بیان شده بود. لذا جواز ردّ کالای معیوب یا اخذ ارش که از این روایات استفاده می‌شود شامل صورت آگاهی از عیوب عوض یا تبری از آن نمی‌شوند و در صورت معیوب بودن آن حق خیار و مطالبه ارش ساقط است. (FG)

۱. قصور نظریه شرط ضمنی از اثبات خیار ردّ در صورت علم یا تبری از عیوب.
 ۲. عدم شمول نصوص ردّ یا ارش نسبت به صورت علم یا تبری از عیوب.

ادله مسقطات خیار ردّ و ارش

تطبيق

۵- و اما سقوط الرد و الارش حالة العلم أو التبری، فلقصور فكرة الشرط الضمني و النصوص المتقدمة عن الشمول لمثل ذلك.

۵- و اما ساقط شدن خسارت در صورت آگاهی داشتن یا تبری، پس به دلیل قصور نظریه شرط ضمنی و قصور روایات سابق از شامل شدن مانند آن است.

Sco ۳۱۲۰۴۶

دلیل عمومیت ردّ در تمام معاملات

ردّ کالای معیوب اختصاص به عقد بیع نداشته و شامل معاملات دیگر مانند اجاره نیز می‌شود. دلیل این مساله عدم اختصاص نظریه شرط ضمنی به عقد بیع می‌باشد. با این توضیح که در تمام معاملات طرفین معامله با این شرط ضمنی که مورد معامله سالم باشد و در صورت عدم سلامت آن، شرط خیار داشته باشند اقدام به انجام معامله می‌کنند. لذا در سایر معاملات مانند اجاره نیز در صورت معیوب بودن هر کدام از عوضین شخص می‌تواند آن را به صاحبش بازگردانده و اجاره را فسخ کند.

دلیل اختصاص ارش به عقد بیع

صحيحه زراره که دلالت بر ثبوت ارش در صورت معیوب بودن کالای خریداری شده می‌کند، در خصوص عقد بیع وارد شده بود. لذا جواز مطالبه ارش در صورت ایجاد تغییر در کالای معیوب اختصاص به عقد بیع داشته و شامل معاملات دیگر نمی‌شود.

دلیل استثناء نکاح از حکم جواز ردّ

در باب جواز ردّ معیوب توضیح داده شد که این حکم اختصاصی به عقد بیع ندارد و شامل تمام معاملات می‌شود. از عمومیت این حکم عقد نکاح مستثنی می‌باشد. زیرا فسخ عقد نکاح جایز نیست مگر به واسطه عیوب معین و مشخصی که در باب نکاح به آن اشاره شده است.^۱ «FG»

- | | | |
|--|---|----------------------|
| <p>۱. عمومیت ردّ نسبت به جمیع معاملات: عدم اختصاص نظریه شرط ضمنی به بیع.
 ۲. اختصاص ارش به بیع: اختصاص صحیحه زراره - مدرک ثبوت ارش - به عقد بیع.
 ۳. استثناء نکاح از حکم جواز ردّ در معاملات: عدم جواز فسخ نکاح مگر به عیوب معینه.</p> | } | ادله احکام ردّ و ارش |
|--|---|----------------------|

تطبيق

۶- و اما ان الرد بالعيب يعم جميع المعاملات، فلعدم اختصاص فكرة الشرط الضمني بالبيع بل تعم غيره.
 ۶- و اما این که ردّ به سبب عیب شامل همه معاملات می‌شود، پس به دلیل اختصاص نداشتن نظریه شرط ضمنی به بیع است بلکه غیر بیع را نیز شامل می‌شود.
 اجل يختص الارش بالبيع لاختصاص صحیحه زراره - التي هي المدرک له - به.
 بله، ارش اختصاص به بیع دارد به دلیل این که صحیحه زراره - که مدرک برای ارش است - به بیع اختصاص دارد.
 و اما استثناء النکاح، فلعدم جواز فسخه الا بعيوب معينة مذکورة في محلها.
 و اما استثناء شدن نکاح، پس به دلیل جایز نبودن فسخ نکاح است مگر به سبب عیب‌های مشخصی که در محل خود ذکر شده است.

Sco ۴۲۴: ۳۹

۱. عیوب فسخ نکاح: هرگاه مرد بعد از عقد بفهمد که زن او یکی از هفت عیب زیر را دارد می‌تواند عقد را فسخ کند: ۱- دیوانگی ۲- بیماری خوره ۳- بیماری برص «پسی» ۴- کور بودن ۵- شل بودن بطوری که آشکار باشد. ۶- افضا شدن «یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائط او، یکی شده باشد. ۷- گوشت یا استخوان یا غده‌ای در او باشد که مانع نزدیکی شود. زن نیز می‌تواند در چند صورت عقد را به هم زند: ۱- دیوانه بودن شوهر ۲- نداشتن آلت مردی ۳- ناتوانی از نزدیکی جنسی ۴- عقیم بودن. تفصیل این مسأله در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

چکیده

۱. طبق صحیحۀ زراره، اگر در عوض معیوب تغییری ایجاد شده باشد بیع نافذ است و فقط حق مطالبۀ ارش وجود دارد.
۲. در کتاب فقه رضوی روایتی وارد شده که از آن تخییر بین رد و ارش استفاده می شود، اما انتساب این کتاب به امام رضا علیه السلام ثابت نیست لذا سند روایت ضعیف است.
۳. با قبول حجیت شهرت فتوایی و اجماع منقول، تخییر بین رد و ارش قابل اثبات است و الا ارش اختصاص به صورت تعدّر ردّ عوض خواهد داشت.
۴. صحیحۀ زراره بر تعیین ثبوت ارش در صورت تعدّر ردّ عوض معیوب دلالت دارد. با توجه به این صحیحۀ و قصور نظریۀ شرط ضمنی از اثبات ردّ در فرض مذکور، ردّ عوض معیوب در صورت تعدّر جایز نیست.
۵. نظریۀ شرط ضمنی و روایات از اثبات جواز ردّ و ارش در صورت آگاهی از عیب یا تبری از آن قاصر است.
۶. اختصاص ارش به بایع با توجه به صحیحۀ زراره که مدرک ثبوت ارش است، ثابت می شود.
۶. با توجه به نظریۀ شرط ضمنی خیار عیب در همه معاملات جاری است، مگر در نکاح که جواز فسخ در آن اختصاص به عیوب معینی دارد.